

مینمایند - در تحریکات و عملیات نوعیه اغراض شخصیه بکار می برند - و بهمین  
و تیره عمری را خاتمه داده و ساحت و جودشان از عاطفه شرافت بی بهره و عاری است  
بعضی از احکام دینات را که موافق با مذاق است می پذیرند و قسمتی از احکام را  
که مخالف با مسلك آنها است رد می نمایند - خداوند عالم در قرآن مجیدش همین  
گونه از خلق را مخاطب ساخته از روی توبیخ و سرزنش میفرماید سوره ( ۲ )  
آیه [ ۷۹ ] ( اَفْتَوْا مَنْ بَعِثَ الْكُتُبَ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ  
مِنْكُمْ الْآخِرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يردون الى اشدّ العذاب و ما الله بغافل  
عما يعملون ) - کیانند این دشمنان بشر؟ چه نام دارند؟ بلی . این فرقه مسّی  
بمنافقین هستند - یعنی [ هر که زبانش دگر و دل دگر ] . . . . . که همواره  
بار و زور و وبال خلق را متحمل شده و با همه زبانشان در دار دنیا هم بخوبی نمی  
توانند اعاشه و زندگانی نمایند عاقبت امر آنان نیز خبلی و خیم است سوره ( ۴ )  
آیه [ ۱۴۶ ] ( ان المنافقين في الدرك الاسفل من النار . . )

شهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال علم علوم اسلامی  
( بعثت خاتم [ ص ] )

هر گاه در اطراف تا ریح زمان فترت [ یعنی زمان ممتد از رفع مسیح تا بعثت  
خاتم النبیین ] صیر و مراجعه شود معلوم خواهد شد که اهل آن زمان  
بواسطه متابعت هوا و هوس و عدم التزام بدینات دو چار چه مشکلائی و مباحث  
چه امور سخیفه بوده اند!! و بعقول ضعیفه خود چه قوانین و اهییه و آداب و  
اخلاق رذیله را تعقیب می نمودند و تا چه مقدار از عالم تمدن و رسوم انسانیّت دور  
بودند - چه دختران بی تقصیر و جرم که بواسطه خیالات فاسده پدرانش خود

زنده بگور شدند!! چه جو آنان رعنا که از اثر هرج و مرج های بی اساس در زیر خاک قرین مار و مور گشتند!! چه عشیره ها و قبیله های مهم که بواسطه تهاجم و تطاول بر یکدیگر بعضی منقرض و بعضی دیگر قریب به انحلال شدند مانند [ اوس ] و [ خزرج ] که دو برادر بودند در حجاز و بعد از خود آنها در میان اولادشان نایب نژاد و نزاع و جدال مشتعل شد و خونریزیهای غیر قابل جبران در میان آنان واقع گردید و بالاخره تا یکصد و بیست سال رشتند دوئیت در میان اولاد و احفاد آنان جریان داشت - آیا - اگر بهمین منوال وضعیت عالم چندی دیگر امتداد میافت - اثری از آثار جامعیت آنان باقی میماند؟ آیا رفع آن خرافات و دفع آن بلیات را کی عهده دار شد؟ آیا کدام نوع خواه کمر همت بر میان بست و آن بی نظمی و بر ربیت را مبدل به نظم و الفت نمود و نعمت مسالمت و تمدن را بعرب ارزانی داشت که از پرتو تمدن آنان اقطار زمین مقتبس و منور گردید **﴿ الله اعلم حيث يجعل رسالته ﴾** همانا حکیم کار ساز و قادر ذو الجلال پس از چهار صد و کبری انقلاب و اضطراب در مقام لطف و عطا و نعمت وجود مقدس ختمی مرتبت اعی (محمد بن عبدالله) صلی الله علیه و آله را برای هدایت کم گشتگان وادی جهل و رذالت و تنظیم عالم از وادی تهاجمه بر انگیزانید و بسبب آیات و معجزات و خوارق عادات آن یگانه گوهر صدف عظمت و عصمت را بر ابطال و شجعان اهل عصر سلطنت نبوت و اقتدار بلانهایت مرحمت فرمود و حقانیت و شرافت و علو شأن و رتبت آنحضرت را خاطر نشان صفحه عالم فرمود و بسبب زحمات و تحمل مصائب و صدمات آنسرور مجدداً بساط عدل و انصاف گسترده گردید و آنمردم وحشی سر منزل انسانیت و تمدن رسیدند و بسبب خلق عظیم آنحضرت

رشته الفت و اخوت و مساوات در میان عشایر و اقوام استوار و متمدن گشت و آن رویه های ناهنجار نوحث متروک و آنحضرت بتعالیم قولی و فعلی مردم را به آزمودن اخلاق و صفات حسنه و احتراز از آداب ناستوده و ادار فرمود ﴿چه﴾ که این اقدام رکن اعظم و علت اقوای بعثت آنحضرت بود و خود آن نور مقدس فرمود [بعثت لاتمم مکارم الاخلاق] هر با بصیرتی که در مزایای بعثت و دعوت آنحضرت غور نماید تصدیق خواهد داشت که طرز و اسلوب دستورات و تشریحات این یگانه برگزیده احدیت بقدری بلند مرتبه و کامل و متین و تمام عیار است و اساس مقدس این شریعت غرا بقسمی در حفظ ناموس و جان و مال و نجات از رقیبت بشریه مضبوط و محکم است که ابداً رخنه و راه دسیسه و صلاحیت تغییر و تحریف ندارد و چنین است که فرمودند ﴿حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة﴾

ای عزیزان بشرافت و مجد مقدسین عالم و شرافتمندان از بنی آدم قسم است هیچ حرّبت و عزّتی بالاتر و تمام تر از اسلام نیست اگر کسی تأمل دارد - در این عصر جدید و قرن درخشان کمر همت بر میان به ببندد و قد مردانگی و فتوت را علم نماید و در صدد کشف این حقیقت بر آید و در اطراف حقایق و اساس تمدن و حرّبت با مقداری دقت تفکر کند و در مزایای اسلام و شریعت غرای محمدی ﴿ص﴾ نظری از روی خریداری و انصاف بیفکند - آنوقت حس عظمت اسلام را مینماید - آنوقت میفهمد معنای استقلال و آزادی را آنوقت پی می برد نظم حقوق بشری را - آنوقت منتقل میشود باصول تمدن - آنوقت کشف میکند راه اصلاح جامعه را - آنوقت خود را وظیفه دار می بیند که بر مأذنه عمومی و مرأی

و مسمع عموم بشر برآید و با صدای هر چه رساتر فریاد کند - ای اهل عالم و ای حساسان از ذریه آدم - بشتابید - گنجینه ثروت ظاهری و معنوی اسلام است ، سر چشمه سعادت جاوید اسلام است ، خراب کننده اساس نفاق و دوئیست اسلام است ، تشکیل دهنده حقیقت حریت و مدنیست اسلام است ، در این دین حنیف ابداً خرافات وجود ندارد - آنچه مغرضین اسناد با اسلام داده اند بی اصل است دخی بعالم اسلام ندارد این دین حنیف مبتنی بر يك قانون مقدس محکمی است که نام آن قرآن است - قرآن است که دامنه فصاحت و بلاغت آن بی پایانست ، قرآن است که تمام جهات و خصوصیات و مزایای تمدن و آزادی مشروع و عدالت و مساوات را در يك آیه کریمه جمع و در معرض عموم گذارده است ، سوره [ ۳ ] آیه [ ۷۵ ] ( قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواة بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و ان لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولو فقلوا شهیدو بانا مسلمون ) آبا با این اوصاف سزاوار است دست از این وسیله سعادت ابدی برداریم ؟ و با هواء فاسده و آراء کاسده خود را در بیداء گمراهی بیندازیم قرآنی که تمام ما بحتاج اجتماعی و انفرادی بشر را متکفل است آیا شایسته است از او اعراض نمائیم و احکام مقدسش را معطل بگذاریم ؟؟؟ بگوئید بمنحرفین از طریقه حقه - عزیزان بیائید اگر شبهه دارید با کمال ملایمت و نزاکت و متانت جواب و رد شبهه خود را در یافت دارید اگر در فصاحت و بلاغت و معجزیت قرآن شبهه دارید یا در خاتمیت صاحب قرآن حرفی دارید بیائید شفاهاً . کتباً مطالبه کنید و جواب بشنوید ولی مادامیکه از روی اساس و اصل مطلب علناً در مقام بر نیامده اید به هیچ قانونی حق ندارید با سامی مختلفه در جزوات و اوراق

مطبوعه در مقام القای شبه - ه برائید و ضغفاء از برادران اسلامی را همراه

سازید!

## ( مکتوب - تو ضیح مهم )

می بینم بعض از محترمین مسلمین از عنوان ﴿ دعوت اسلامی ﴾ وحشت دارند و بسبب بروز و طلوع این نام مبارک فام متأثر هستند و میفرمایند ﴿ مگر ما هنوز مسلمان نشده ایم که تازه دعوت باسلام میشود ﴾ خوبست این اشتباه در ترجمه لفظی بر طرف شود و دانسته شود که دعوت اسلامی یعنی دعوت از طرف اسلام چه که بآء اسلامی بآء نسبت نامیده میشود پس این دعوت منسوب باسلام است که نسبت باشخاص خارج از این مذهب همان معنای دعوت بسوی اسلام است و نسبت بمسلمین دعوت بسوی مزایا و دقایق اسلام است علاوه نظر ببقاء این دین حنیف دعوت آن نیز باقی است ببقاء آن - زیرا آنچه در این نامه مقدس مطالعه میشود تمام در تحت آیات قرآنی و اخبار است - پاینده باد این دعوت اسلامی آمین

( الاحقر خادم المسلمین ) ...

متمنی هستم در آئیه مقالات و مکتوبات وارده مزین بآء ضغفاء صاحبان آن باشد ﴿ واحدی ﴾

## ﴿ حضرت عیسی مسیح (ع) ﴾

پس از آنکه حضرت مسیح با آسمان عمر و ج فرمود و آن انقلاب و ظلمت بر طرف شد - اختلافات چندی در میان قوم تولید شد ﴿ وان الذین اختلفوا فیه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله